



زمان توجه به تولید کارآمد به جای شعارهای توزیعی است

غلامحسین شافعی می‌گوید: پیام مشخص بخش خصوصی به سیاست‌گذاران این است که با تغییر پارادایم فکری، توجه به بحث تولید کارآمد و واگذاری امور به مردم را جایگزین شعارهای توزیعی کنند.

غلامحسین شافعی، رئیس پارلمان بخش خصوصی، در نشست امروز هیات نمایندگان اتاق ایران به انتقاد از نادیده گرفته شدن نقش بخش خصوصی از سوی سیاست‌گذاران پرداخت. او معتقد است: هیچ تحولی رخ نخواهد داد مگر آنکه نخست مشخص شود که از نگاه حکومت، بخش خصوصی چه وظیفه‌ای در قبال توسعه ملی دارد و برای ایفای این نقش حکومت و نهادهای حاکمیتی چه فرصت‌ها و امکاناتی به بخش خصوصی می‌دهند و از چه حمایت‌های اطمینان‌بخشی آن را سیراب خواهند کرد.

متن کامل سخنرانی رئیس اتاق ایران سیزدهمین نشست هیات نمایندگان اتاق ایران به شرح زیر است:

با برگزاری این جلسه هیات نمایندگان وارد آخرین سال قرن جاری شمسی می‌شویم. شروع هر دوره تازه با بیم‌ها و امیدهای زیادی همراه است. اولین گام برای یک شروع تازه، نگاه به گذشته و کسب تجربه از آن است. در سال آینده اتاق ایران برنامه پژوهشی جامعی درباره آنچه بر ایران عزیز گذشت به ویژه در حوزه اقتصاد و عملکرد اتاق بازرگانی در قرن چهاردهم انجام خواهد داد با این امید که درس‌های آن چراغ راهی برای آینده باشد؛ اما چند نکته در این باره شایسته ذکر در این جلسه است:

مردمان خوب این سرزمین با امید به استقرار نظام سیاسی که بتواند هم زمان حافظ استقلال و عزت کشور و اعتقادات مردم و بر پایه عدل باشد و بتواند از امکانات کشور در جهت بهبود زندگی عموم مردم بهترین استفاده را بکند، بارها قیام کردند. افتخار بازرگانان و فعالان اقتصادی آن است که در تمامی این تحولات مهم در کنار مردم ایستادند و نقش غیرقابل‌انکار ایفا کردند.

نگاهی به عملکرد اتاق ایران در ابتدای سال آخر قرن حاضر بیانگر آن است که در طول این صدسال باوجود افت و خیزهای فراوان و دوران فراروفرو، فعالان اقتصادی بخش خصوصی در کنار انجام کسب و کار خود و حفظ و ارتقای توان اقتصادی کشور در حدی که ممکن بود یک دستاورد بزرگ داشتند و آن هم حفظ کیان اتاق، جلوگیری از دخالت‌های نامطلوب دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها بوده و حفظ استقلال این نهاد برای نمایندگی از خواسته‌های فعالان اقتصادی تا حد امکان است.

به رغم تحولات عظیمی نظیر انقلاب اسلامی و روی کار آمدن دولت‌ها و مجالسی که برخی از آن‌ها حتی با واژه بخش خصوصی مشکل داشتند، فعالان اقتصادی بخش خصوصی در دوران جنگ و دوران صلح و دوران تحریم، بازمه حداکثر همکاری را با حاکمیت کشور داشتند و خود را متعهد به تأمین نیازهای مردم داشته‌اند. مسئولان اتاق در تمامی این دوران سعی کرده‌اند، خواسته‌های به حق اعضای خود را نمایندگی کنند و با اتخاذ رویکرد مناسب تا اندازه‌ای موفق شده‌است تا نگرش‌های افراطی را تعدیل کرده و اکنون بخش خصوصی حتی از طرف عالی‌ترین مقام کشور حمایت می‌شود.

در سال‌های اخیر مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده‌اند که تنها دریچه انتقال حیات، روشنایی و نیرو به داخل کشور، دریچه‌ای است که فعالان بخش تولید می‌کشایند. تولیدکنندگان، خط‌شکنان صفوف مقدم عرصه حیاتی تولید داخل، رونق اقتصادی و گسترش رفاه عمومی هستند.

درعین حال گلایه‌های زیادی هم وجود دارد. 90 سال است که دولت‌ها قرار گذاشته‌اند درباره تصمیمات اقتصادی نظر اتاق‌ها و فعالان اقتصادی را قبل از اتخاذ تصمیم بگیرند؛ اما همچنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آن‌ها نادیده می‌گیرند. سال‌هاست که تغییر و تحول سریع در عرصه قوانین و مقررات هرسال چندین بار دستخوش تغییر می‌شود. بیش از 70 سال است بنگاه‌ها از لحظه تولید با مسائل گمرکی، ارزی و مالیاتی دست‌به‌گریبان هستند و هنوز این مشکلات نه تنها پابرجاست بلکه روبه‌تزايد است. برنامه‌های مختلف اقتصادی دولت‌ها و مجالس با گرایش‌های مختلف زمام‌آوران را به دست گرفته‌اند؛ اما دریغ از حل ریشه‌ای مشکلات.

نیم قرن اخیر سال‌های تسلط اندیشه‌های توزیعی در کشورها بوده‌است. توزیع پول نفت به طور مستقیم و توزیع منابع آب و خاک و معادن و غیره به طور غیرمستقیم. اکنون آیا به صرف تمرکز بر توزیع ثروت، وضع اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر بهتر شده‌است؟ آیا اکنون اقتصاد ایران مقاوم‌تر از قبل شده‌است؟ آیا اکنون پایداری محیط زیستی در کشور در حد لازم موجود است؟ از دید ما و بسیاری از کارشناسان پاسخ منفی است.

مشکل نظام تدبیر و ساختار سیاسی کنونی این است که اصولاً تکلیف آن با بخش خصوصی مشخص نیست. آیا وقتی تجربه 30 سال خصوصی‌سازی به این نتیجه انجامیده‌است که اقتصاد در همین دوره سهم دولت در اقتصاد افزایش یافته‌است، نشان‌دهنده‌ای از این نیست که اصولاً نیروهای پشت پرده تمایلی به ارتقا و تقویت بخش خصوصی ندارند؟

درحالی که به حق از بخش خصوصی انتظار می‌رود که نقش جدی و تاریخی خود را در توسعه ملی ایران ایفا کند و تجربه تاریخی کشورهای پیشرفته هم نشان داده‌است که بدون حضور تمام‌قد بخش خصوصی در عرصه تولید و فناوری، تحولات جدی و پایدار در جریان توسعه ملی رخ نخواهد داد اما چه کنیم در میان سیاست‌گذاران کشور باور به چنین نقشی وجود ندارد. به زبان بخش خصوصی را تکریم می‌کنند اما در عمل با انواع قوانین دست و پاگیر، با انواع سیاست‌های اعتمادزا و با انواع روش‌های اهانت‌آمیز و با انواع محدودیت‌ها و فرصت‌سوزی‌های سیاسی و بین‌المللی، ریشه به تیشه بخش خصوصی می‌زنند.

به نظر می‌رسد هیچ تحولی رخ نخواهد داد مگر آنکه نخست مشخص شود که از نگاه حکومت، بخش خصوصی چه وظیفه‌ای در قبال توسعه ملی دارد و برای ایفای این نقش حکومت و نهادهای حاکمیتی چه فرصت‌ها و امکاناتی به بخش خصوصی می‌دهند و از چه حمایت‌های اطمینان‌بخشی آن را سیراب خواهند کرد.

پیام مشخص فعالان اقتصادی و اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی رسمی به همه سیاست‌گذاران کشور و به ویژه کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری یک جمله روشن است: «اکنون زمان تغییر پارادایم فکری و توجه بیشتر به بحث تولید کارآمد به جای شعارهای توزیعی و واگذاری امور به مردم و بخش خصوصی است.»

اما خودمان باید برای ارتقای نهاد اتاق ایران چه کنیم؟ آشکار است که نقش و جایگاه اتاق ایران در عرصه تصمیم‌گیری‌ها نسبت به برهه قبل ارتقا یافته‌است اما انتظارات اعضای اتاق، فعالان اقتصادی و حاکمیت هم از اتاق تغییر کرده و افزایش یافته‌است که نباید نادیده گرفته شود. موضوعاتی نظیر تلاش برای عضویت فراگیرتر عضویت فعالان اقتصادی، تنوع بخشی به خدمات اتاق برای فعالان اقتصادی، نقش فعال‌تر در مناسبات بین‌المللی و شفاف‌تر شدن عملکردها، رعایت کدهای اخلاق حرفه‌ای، کسب و کار در اتاق و ... مواردی است که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌ریزی اصولی برای بهبود عملکرد اتاق در آینده انجام شود، رویکرد اتاق باید در تحولات فوق‌شفافیت، بهبود عملکرد، ارتقای کارایی و دوری از سیاست‌زدگی باشد.

این مهم تنها با خواست و اراده اتاق و تغییر عملکرد این نهاد حاصل نمی‌شود و نیازمند تغییر نگرش در سطح کلان کشور هم است. در واقع سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران هم باید بی‌بیزبندگی به تشکیل و فعالیت نهادهای صنفی قدرتمند در عرصه اقتصادی نه به معنی وجود یک رقیب برای کاهش قدرت و نفوذ دولت بلکه به عنوان یک ابزار قدرتمند برای رسیدن به منافع ملی است و باید ضمن روشن کردن هر چه سریع‌تر راهبرد بین‌المللی کشور از این پتانسیل در سطح ملی و بین‌المللی بهره‌جست که در این باره لازم است چند نکته عرض کنم.

1- در آستانه آغاز قرن جدید فضای سیاسی و اقتصادی بین‌الملل نیز دچار تغییرات شگرفی شده‌است. باز توزیع قدرت و بازنویسی تدریجی قواعد، مهم‌ترین روند اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سال‌های اخیر بوده‌است. بررسی تحولات ساختاری کلان فضای تجارت جهان و بررسی موقعیت ژئواکونومیک منطقه و جهان نشان می‌دهد که مناسبات اقتصادی میان کشورها متأثر از تغییر موازنه

قدرت در جهان دچار تغییرات بنیادین شده است در این فضای دگرگون شده، کشور ما به صورت کلی نیاز به یک بازتعریف از جایگاه خود در صحنه جهانی دارد.

2- تغییرات ساختار کلان تجارت جهانی در سه سطح رخ داده است.

خدماتی شدن تجارت جهانی؛ تجارت خدمات پویاترین بخش تجارت جهانی در دهه های اخیر بوده است.

درهم تنیدگی جهانی زنجیره های ارزشی؛ سه زنجیره ارزش آمریکای شمالی، اروپا و آسیا توأمان منطقه ای و جهانی اند و اختلال در آنها باعث تلاطم در اقتصاد جهانی می شود. نمونه اخیر آن در

اختلال در اقتصاد چین به عنوان کانون زنجیره منطقه ای جهانی در ماه های نخست همه گیری کرونا است که با گسترش بحران به اروپا و آمریکا، همه زنجیره ارزش جهانی را بحران زده کرد.

دیجیتالی شدن اقتصاد؛ اتحادیه اروپا و سایر قدرت های تجاری در دهه های اخیر برای مبادله کالا و خدمات از طریق موافقت نامه های آزاد سنتی که ساده و بر پایه تعرفه ها بود دیگر تجارت نمی

کنند آنها در قالب نسل سوم موافقت نامه های تجارت آزاد مقررات و قواعد مفصلی بر پایه اقتصاد دیجیتال تدوین و هماهنگ می کنند.

3- ایران در تغییرات ساختاری در اقتصاد جهانی فوق تاکنون نقش منفعل داشته است. تحریم های اخیر دهه ای در کنار درگیری درون بر سر انتخاب استراتژی جایگزینی واردات یا الحاق به اقتصاد

جهانی فرصت های را در عمل برای نقش آفرینی ایران در این روندها به باد داده است.

4- اولویت و پرسش بسیار کلیدی، سیاست تجاری و صنعتی کلان ایران تا آینده میان مدت، تبیین نسبت ایران با سه روند بالا و چگونگی تطبیق با قواعد بازنویسی شده در فضای تجارت جهانی

است. در میان این 3 روند تبیین نسبت ایران با زنجیره های ارزشی منطقه ای و جهانی اهمیت ویژه دارد.

5- چند سال آینده برای کشور سرنوشت ساز است. پیشنهاد اتاق ایران آن است که کلیه بازیگران عرصه سیاست و اقتصاد کشور دست دولت یکدیگر و به دوراز رقابت های مخرب و تنها با تکیه بر

اصل اولویت منافع ملی گرد هم آیند و بهترین پاسخ را برای پرسش راهبردی تعریف جدید جایگاه ایران در فضای تجارت جهانی ارائه نمایند. در غیر این صورت کشور چه بخواهد و چه نخواهد به

انتهای زنجیره های ارزشی مبتنی بر خام فروشی و صادرات باارزش افزوده پایین و فاقد ارزش فنی و تکنولوژیک منتقل خواهد شد.